

# شاید وقتی دیگر!

«خاتون» و قابلیت‌های دراماتیک حوادث دهه ۱۳۲۰

مسائل دامن می‌زد.

با آغاز جنگ جهانی دوم، همه دنیا درگیر این واقعه خون‌بار شد. ایران اگرچه در همان ابتدای امر اعلام بی‌طرفی کرده بود اما با گسترش جنگ و نیاز نیروهای متفقین به منابع و دسترسی‌های ایران از یک طرف و احساس خطر از روابط نزدیک ایران و آلمان نازی از طرف دیگر، سبب شد در شهریور ۱۳۲۰ بی‌طرفی ایران نقض و نیروهای متفقین به مرزهای ایران حمله‌ور شده و ایران را اشغال کنند.

این مقدمه نسبتاً طولانی، که بسیاری از آن‌ها برای مخاطبین این نوشته آشنا بوده و بیشتر جنبه یادآوری دارد، اهمیت این دوره تاریخی را گوشزد می‌کند که می‌تواند دستمایه درام‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی جاسوسی و پلیسی باشد اما عمدتاً مورد غفلت قرار گرفته است. تغییرات ظاهری شهرها و روستا در دوره فعلی نسبت به زمان وقوع این اتفاقات، خط قرمزهای گسترده‌ای که در به تصویر کشیدن روابط سیاسی و اجتماعی آن دوره وجود دارد، ضعف تبدیل وقایع تاریخی به داستان‌هایی امروزی و قابل باور، عدم تمایل به استفاده از مشاوران تاریخی آگاه و مسلط به تاریخ معاصر و بسنده کردن به منابع رسمی موجود؛ چالش‌های جدی در راه استفاده از تالارها و کاخ‌ها که بخشی از میراث فرهنگی و ملی هستند و احتمالاً هزینه‌های گزاف ساخت فیلم تاریخی به‌ویژه ساخت دکورها و بازسازی بناها بخشی از دلایل این اتفاق هستند که اگرچه قابل درک است اما شاید چندان پذیرفتنی نباشد.

با این وجود تینا پاکروان با توجه به پتانسیل‌های موجود در این دوره تاریخی و پس از تجربیاتی در کارگردانی و تهیه‌کنندگی فیلم‌های سینمایی برای ساخت اولین سریال به‌سرراغ مقطع حساس و پرچالش شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران رفت. انتخاب اقلیم گیلان برای قسمت‌های ابتدایی سریال انتخاب هوشمندانه‌ای بود. نیاز کمتر به بازتولید فضاهای تاریخی، وجود طبیعت زیبا و دلچسب که قاب‌هایی چشم‌نواز تولید می‌کند، پیشینه گیلان که به داشتن طبقه اجتماعی پیش‌رو و مدرن و همچنین جنبش‌های سوسیالیستی در آن دهه شهرت دارد و قرار گرفتن گیلان



ابراهیم تبار



**آن چه که عملاً «خاتون» به ما عرضه می‌کند بیشتر تصویری چندپاره از یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخی ایران است. نمایشی که نه توان ارائه درست دلآوری‌های ارتش ایران را دارد و نه به شکلی درست می‌تواند درگیری کشور که در دوران گذار به سر می‌برد با واقعه‌ای مهیب مانند جنگ جهانی را روایت کند**

به‌ویژه آلمانی به کشور و تغییر در نحوه ساخت‌وساز و معماری و شهرسازی چهره شهرها و مردمان را با تغییراتی جدی مواجه کرد. آغاز به کار رادیو و ساخت و نمایش اولین فیلم‌های سینمایی ایران هم در تغییر زندگی مردم بسیار تأثیرگذار بود. بنیان‌گذاری بسیاری از نهادهای مدرن مانند دانشگاه، ارتش یک‌پارچه، راه‌آهن سراسری و ایجاد نظامی یک‌پارچه در کشور، اگرچه اغلب ریشه در تصمیم‌های دوره قاجار به‌ویژه اواخر دوره ناصری داشتند اما به‌واسطه اجرایی شدن و به ثمر رسیدن آن‌ها، از دستاوردهای دو دهه نخست حکومت پهلوی بود.

گذار از زندگی سنتی به زندگی مدرن با چالش‌ها و درگیری‌های زیادی بین اقشار مذهبی و سنتی و طبقه مدرن همراه بود که با حمایت‌های حکومتی از روند تغییرات این چالش‌ها با مسائل سیاسی نیز گره خورد. از طرف دیگر رضا شاه برای پیش‌برد اهداف سیاسی و اجتماعی مدنظرش که با هم‌فکری مشاوران نزدیکش از جمله محمدعلی فروغی، علی‌اکبر داور و عبدالحسین تیمورتاش مدنظر قرار داده بود، یک فضای دیکتاتوری سنگین و پلیسی در جامعه ایجاد کرده بود که به این

دو دهه نخست قرن چهاردهم خورشیدی، پر از اتفاق‌هایی است که نه تنها در همان دوره تاریخی اهمیت ویژه‌ای دارند که بر آینده ایران نیز تأثیری مهم دارند. برشمردن برخی از این وقایع نشان می‌دهد که این دوره علاوه بر اهمیت تاریخی به لحاظ دراماتیک هم ویژگی‌های برجسته‌ای دارد. برآمدن رضاشاه از پی کودتایی که به همراهی سیدضیا طباطبایی صورت داد و در نهایت به انحلال سلسله قاجار انجامید، خود یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های تاریخی است. تلاش‌های رضا شاه از پایین‌ترین مراتب سربازی در ارتش تا رسیدن به قدرت، تلاش‌های ابتدایی برای جایگزینی جمهوری به جای سلطنت قاجار و در نهایت دست پیدا کردن به پادشاهی داستانی است که به‌طور ویژه می‌تواند دست‌مایه محصولات نمایشی زیادی باشد. احیا و شتاب‌بخشی به روند مدرنیزاسیون که در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار آغاز شده بود و با وقایع پایان سلسله قاجار عملاً متوقف مانده بود باعث تغییرات گسترده‌ای در سبک زندگی مردم شد.

تغییر نوع پوشش، ورود کالاهای فرنگی، اجباری شدن سبک احوال و برگزیدن نام خانوادگی، ورود گسترده‌تر نیروهای خارجی